

باسمه تعالی

متن نشست موج نوین منازعات سیاسی در عراق؛ با اشاره به مسایل داعش (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل)

سه‌شنبه ۹۳/۴/۳

سخنرانی آقای دکتر عبدالله قنبرلو، عضو هیأت علمی پژوهشگاه

موج نوین منازعات سیاسی عراق، از سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به بعد ایجاد شد. به دنبال موج حرکت‌های انقلابی در جهان عرب و خصوصاً ناامنی‌هایی که در سوریه شکل گرفت. پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ چند سالی موج ترور و ناامنی و سرکوب در عراق جریان داشت. در سال ۲۰۰۶ آمریکایی‌ها گزارشی تحت عنوان «بیکر-همیلتن» تدوین کردند که در آن تأکید شده بود بحران عراق راه‌حل نظامی ندارد و باید از راه‌های سیاسی با هدف آشتی ملی استفاده شود. در این راستا، بایستی گروه‌های سیاسی و قبایل محلی مخالف نیز به بازی گرفته شوند تا از این طریق از بحران ترور در عراق جلوگیری شود. فرمانده نظامی آمریکا در عراق دیوید پترائوس هم تأکید داشت که عراق در صورتی می‌تواند از بحران ترور نجات پیدا کند که به سمت انسجام ملی با آشتی ملی برود. اجرای این سیاست، موفقیت‌آمیز بود. سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بحران ترور کاهش یافت و ناامنی‌ها فروکش کرد.

اما از ۲۰۱۱ به بعد مجدداً موج جدیدی از منازعات و بحران امنیتی در این کشور آغاز شد. سازمان ملل گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۹۰۰۰ نفر در جریان این منازعات در عراق جان خودشان را از دست داده‌اند. سال ۲۰۱۴ در سه ماهه اول ۲۰۰۰ حدود نفر کشته شده‌اند. در این شرایط ما شاهد یورش نیروهای داعش در عراق و تصرف بخش‌هایی از این کشور توسط آنها هستیم.

هسته تشکیل گروه داعش به تحولات کشور عراق در سال‌های پس از اشغال بازمی‌گردد. سال ۲۰۰۴ یکی از چهره‌های جهادی این کشور یعنی ابومصعب الزرقاوی گروهی تحت عنوان گروه جماعت توحید و جهاد تشکیل داد که به سرعت رشد کرد. جذابیت اولیه این گروه بیشتر بخاطر شعارهای ضدآمریکایی و ضد اشغال‌گرایانه‌اش بود. گروه تحت فرمان الزرقاوی در معضل‌سازی برای اشغالگران عراق موفق عمل کرد. البته الزرقاوی با بن‌لادن بیعت کرده بود و خودش را شاخه‌ای از جریان القاعده در عراق معرفی می‌کرد. در

سال ۲۰۰۶ در مواضع و سخنرانی‌های این گروه، گرایش به شیعه‌ستیزی و شیعه‌کشی پررنگ‌تر می‌شود. الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ توسط آمریکایی‌ها کشته شد و ابوحمزه مهاجر رهبر این گروه گردید. در پایان ۲۰۰۶ به دلیل ضعفی که این گروه داشته، شاهد این هستیم که گروه دولت اسلامی عراق تشکیل می‌شود. رهبر این جریان شخصی به نام ابوعمر البغدادی بود. این گروه به صورت خیلی پررنگ‌تری گرایش به شیعه‌ستیزی داشت. از سال ۲۰۰۷ به بعد با اجرای سیاست آشتی ملی در عراق، تهدید تروریسم در عراق تا حد زیادی مهار می‌شود. سال ۲۰۱۰ هم ابوحمزه مهاجر و هم ابوعمر البغدادی در جریان حمله نیروهای آمریکایی کشته می‌شوند و بنابر وصیت ابوعمر البغدادی، ابوبکر البغدادی رهبری گروه دولت اسلامی عراق را به عهده می‌گیرد. گفته می‌شود وی فارغ‌التحصیل دوره دکتری علوم اسلامی از دانشگاه اسلامی بغداد است. ابوبکر البغدادی مدعی شده که تبار قریشی دارد و از این حیث صلاحیت خلافت مسلمانان را داراست.

در آوریل ۲۰۱۳ رهبر گروه دولت اسلامی عراق (البغدادی) اعلام می‌کند که دولت اسلامی عراق و جبهه النصره سوریه ادغام شده و گروهی تحت عنوان «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) تشکیل شده است. این گروه در صدد تشکیل یک حکومت اسلامی با خلافت ابوبکر البغدادی می‌باشد. جبهه‌النصره اواخر سال ۲۰۱۱ تشکیل و با رهبر القاعده بیعت کرده بود. رهبر جبهه‌النصره ابومحمد الجولانی این ادغام را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند که از ایمن‌الظواهری تبعیت می‌کند. وساطت‌الظواهری برای حل مشکل راهگشا نبود و این زمینه‌ساز نزاع شدیدی بین دو گروه تروریست می‌شود.

البغدادی تلاش می‌کند نیروهای جبهه‌النصره را به سمت گروه داعش جذب کند. برخی گزارش‌ها حاکی است که ۷۰ الی ۸۰ درصد از نیروهای جبهه‌النصره به داعش پیوسته‌اند و اکنون در شرق سوریه و شمال و غرب عراق فعال هستند. سال گذشته بخش‌هایی از استان الانبار تحت تصرف داعش بود و اخیراً شهر موصل در استان نینوا که از شهرهای استراتژیک عراق است، تحت تصرف داعش درآمد. داعش ظاهراً در پی توسعه نفوذ و اشغال استانهای صلاح‌الدین و دیاله نیز است. نیروهای آن اعلام کرده‌اند که قصد دارند خلافت اسلامی را با مرکزیت بغداد تشکیل دهند.

در مورد اینکه چرا این گروه توانست با چنین سرعتی رشد کرده و بر بخش‌های گسترده‌ای از عراق تسلط پیدا کند، باید چند مسأله را در نظر داشت. زمینه‌هایی در عراق وجود داشته که این بستر را فراهم کرده است. مالکی علیرغم موفقیتها و دستاوردهایی که داشته، در پیشبرد فرآیند آشتی ملی ناکامی‌هایی هم داشته است. گروه‌های عرب سنی و کردها نارضایتی بسیاری از دولت مالکی دارند. سنی‌ها تأکید دارند که

نخست وزیر بایستی تغییر کرده و رییس جمهور از اهل سنت انتخاب شود. ائتلاف عراقیه که عمدتاً از نیروهای سکولار به رهبری ایاد علاوی تشکیل شده، به شدت از سیاست‌های مالکی ابراز نارضایتی کرده و معتقد است که دوره مالکی تمام شده و فضا را برای ورود نیروهای رقیب به عرصه قدرت باز کند. عمده‌ترین انتقادی که به آقای مالکی وارد است این است که ایشان خواسته یا ناخواسته به فرقه‌گرایی و شیعه‌گرایی کشیده شده است. پیوند نزدیک با ایران نیز از دیگر اتهامات وارده علیه مالکی است. داعش دولت ج.ا.ایران را یک دولت صفوی معرفی کرده و اعلام کرده که دولت مالکی دست‌نشانده دولت صفوی در عراق است. حتی بین خود شیعیان عراق هم نارضایتی وجود دارد که دو علت عمده دارد: اول اینکه با آسیب دیدن وحدت ملی در عراق منافع شیعیان نیز به خطر می‌افتد، و دوم اینکه مسأله فقط وحدت ملی نیست، بلکه دولت مالکی در مهار فساد اقتصادی گسترده در کشور نیز ناموفق بوده است. در مورد فساد در دولت عراق حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. برخی گزارشها حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۱ نحوه هزینه شدن حدود یک سوم بودجه عراق معلوم نبوده است.

عشایر اهل سنت که در سالهای گذشته همکاری بیشتری با مالکی داشتند، اخیراً موضع‌گیری‌های پررنگی در برابر مالکی اتخاذ کرده‌اند. آنها بعد از سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ جماعه الصحوه را تشکیل دادند که در مبارزه با تروریسم به آمریکایی‌ها و دولت مالکی کمک می‌کردند. اما اخیراً اختلاف سیاسی عشایر اهل سنت و مالکی افزایش پیدا کرده و همکاری آنها هم خیلی کم‌رنگ‌تر شده است.

دولت مالکی متهم است که در تشکیل ارتش ملی، خیلی موفق نبوده است که عملکرد ارتش در قضیه پیشروی داعش موید از این امر می‌باشد. مسئله همکاری با ج.ا.ایران هم از زوایای مختلفی مورد انتقاد مخالفان بوده است. به خصوص در ماههای اخیر مطرح شده که توافقات مفصلی بین دولت مالکی و ایران جهت ارسال تسلیحات سبک و متوسط ایران به عراق منعقد شده است. عراقی‌ها این را نمی‌پسندند که دولت عراق به لحاظ امنیتی و تسلیحاتی خودش را وابسته به ج.ا.ایران می‌کند. مالکی و دولتش معتقدند که این همکاریها یک همکاری معمولی است. به خصوص اینکه این توافقات پس از آن منعقد شد که آمریکایی‌ها از تحویل سلاح‌های مورد تقاضای دولت مالکی (موشک‌های هلفایر، هلی‌کوپترهای آپاچی، و پهبادهای مراقبتی) به بهانه اینکه اینها ممکن است دست ایران بیافتد، خودداری کردند.

نکته بعدی اختلافات دولت مرکزی با اقلیم کردستان است که از زوایای مختلفی این اختلافات افزایش یافته است. بودجه اقلیم، توافقات و قراردادهای استراتژیک که اقلیم دوست دارد به صورت مستقیم با شرکت‌های خارجی منعقد کند، مرزهای دولت محلی از موارد اختلاف‌انگیز بوده است. اخیراً شرکت‌های

خارجی به خصوص از کشور ترکیه در کردستان عراق فعال شده‌اند و کردها به صورت مستقل جهت صادرات نفت و تأمین بودجه برای پیشبرد فرآیند توسعه کردستان قرارداد منعقد می‌کنند که این مورد قبول دولت مرکزی نیست. دولت مرکزی معتقد است که کردستان در مسایل امنیتی عراق به درستی همکاری نمی‌کنند. نمونه بارز آن، خودداری کردستان از تحویل طارق الهاشمی (متهم به همکاری با تروریسم) به دولت مرکزی و تسهیل فرار وی به ترکیه می‌باشد. اینها باعث شد که همکاری دولت مرکزی با کردها کاهش پیدا کند و کردها به سمت تقابل با دولت مرکزی روی آورند.

واقعیتی که در صحنه عراق اتفاق افتاده این است که یک منازعه سیاسی است منتهی با ابزارهای مذهبی می‌باشد. پیروزی مالکی در انتخابات اخیر، ناامیدی را در بین مخالفان و منتقدان تشدید کرد و باعث شد آنها برای دفع مالکی به همکاری با داعش کشیده شوند. بعضی‌ها از عوامل مهم موفقیت داعش بوده‌اند، چرا که همکاری بسیار نزدیکی با آن دارند. خیلی از ناظران و رسانه‌ها معتقدند در این کشور یک جنگ مذهبی و یک جنگ شیعه و سنی رخ داده ولی باور ما این است که یک نزاع سیاسی است و کارگردانان این نزاع در اصل سیاستمداران هستند و از مذهب استفاده ابزاری می‌شود. فرضیات مختلفی مطرح شده که نشان می‌دهد این نزاع، نزاع سیاسی است.

۱- جنگ قدرت بین قدرت‌های منطقه‌ای که در رأس آن یک طرف عربستان (نماینده سنی‌ها) قرار دارد و یک طرف ایران (نماینده شیعیان) که رقابت آنها در سوریه باعث نزاع مذهبی شده است. البته ج.ا.ایران چنین رویکردی را انکار می‌کند و معتقد است نزاعی که در سوریه داریم با آمریکا و اسرائیل است و برای حمایت از جبهه مقاومت وارد این کشور شده‌ایم. موضع دولت ایران این است که با اهل سنت مشکل و نزاعی نداشته و نخواهد داشت، اما گروه‌های تکفیری یک چنین نزاعی را شروع کرده‌اند. در گذشته سلاح آنها به سمت آمریکا بود، ولی اکنون به سمت مسلمانان نشانه رفته و با مسلمانان جنگ می‌کنند.

۲- به علت فضای آزاد شده‌ای که بعد از انقلابات اخیر در منطقه شکل گرفته، زمینه برای ابراز هویت‌هایی که تاکنون در حاشیه قرار داشته‌اند، فراهم شده است. اما این روند منجر به شیوع منازعات خونین در منطقه شده است.

۳- منازعات مذهبی توسط برخی دولتها و سیاستمداران منطقه با یک هدف عمده کارگردانی شده است آن هدف عبارتست از اینکه شکاف بین دیکتاتوری و دموکراسی را که اخیراً در پی انقلاب‌های منطقه بارز شده، به حاشیه کشیده و شکاف بین شیعه و سنی را جایگزین کنند. از جمله، عربستان سعودی و قطر نقش مهمی در تشکیل و هدایت داعش به سمت سوریه و عراق داشته‌اند و در حمایت تسلیحاتی و مالی این

گروه فعالند.

۴- رشد فزاینده ایدئولوژی‌های نئوهابی و نئوسلفی که به خاطر همین انقلابات اخیر اتفاق افتاده، فرضیه دیگری در مورد منازعات اخیر است. این روند با احیا شدن و تقویت دوباره جریان القاعده همراه بوده است. مبارزه در واقع یک مبارزه سیاسی بین دولتها و کنش‌گران سیاسی است که در آن از مذهب استفاده ابزاری شده است.

سخنرانی آقای ناصر کنعانی، رییس ستاد عراق وزارت امور خارجه

موضوع داعش در تحولات اخیر موضوعی فرعی است و همانطور که اشاره شد داعش هم از گروههایی است که مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است. بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ مجموعه‌ای از نیروها با انگیزه‌های ضد اشغالگری و یا با شعار اشغالگری شکل گرفتند با شکل‌گیری دولت (شیعی) عراق روند حرکت اینها به سمت مقابله با دولت شیعی پیشرفت. ولی بعضی از جریان‌ها ضد اشغالگری خود را حفظ کردند. در سال ۲۰۰۴ ابومصعب زرقاوی اردنی در اردن ابتدا جنبش توحید و جهاد را تشکیل داد. نقطه قانونی فعالیتش ظاهراً علیه اشغالگری بود ولی عملاً عمده فعالیتشان علیه شیعه و شیعیان بود. پس از مدتی تشکیلاتش را ارتقاء داد و تشکیلات شورای مجاهدین را راه‌اندازی کرد، سپس این تشکیلات را بنام دولت اسلامی عراق نامگذاری نمود. در سال ۲۰۰۶ با حمله مستقیم آمریکا به مقر این گروه، زرقاوی کشته شد و ابو حمزه المجاهد رهبری این تشکیلات را به عهده گرفت. وی حدوداً پس از ۶ ماه کشته شد و ابو عمر البغدادی رهبر این گروه شد که در سال ۲۰۱۰ کشته شد و ابوبکر البغدادی (ابراهیم البدری) که عراقی و اهل موصل است رهبر این جریان شد.

از ۲۰۱۰ تقریباً فعالیت آن فروکش کرد و با تحولات سوریه این جریان حرکت را به سمت سوریه هدفگذاری نمود و نامش را به دولت اسلامی عراق و شام تغییر دادند (داعش)، در سوریه بیشترین درگیری را با جبهه النصره (القاعده شاخه سوریه) داشت و با ارتش آزاد سوریه (جیش الحر) نیز درگیر شد. ایمن الظواهری به اینها دستور داد که به سمت عراق بروید و سوریه را ترک کنید، اما گوش ندادند. منابع اطلاعاتی می‌گویند بندر بن سلطان بیشترین نقش را در مدیریت این جریان و حمایت‌های مادی، مالی و تجهیزاتی از این گروه به عمل آورده است.

تحولات سوریه طی یک سال اخیر مدیریت شد. در حوزه سیاسی هم انتخابات موفق ریاست جمهوری

بود که صحنه سیاسی و امنیتی را سوریه مدیریت کرد و فضای سوریه برای فعالیت معارضه تنگ شد. همچنین اولین انتخابات پارلمانی عراق پس از خروج اشغالگران بود که ۶۲ درصد مردم در این انتخابات شرکت کردند که رکورد و استاندارد خوبی در این شرایط امنیتی بود. میزان مشارکت سیاسی جریان‌های سیاسی از تمام طوائف و احزاب (حدود ۲۶۷ فهرست) از تمام قومیت و احزاب شرکت کردند. سازمان ملل متحد شفافیت انتخابات را تایید کرد. در انتخابات قبلی جریان اهل سنت با تشکیل فهرست العراقیه ۱۰۱ کرسی پارلمانی را در مقابل ۸۹ کرسی دولت قانون به رهبری مالکی کسب کردند. ایاد علاوی شیعه سکولار اگر می‌توانست آراء زیاد مجلس را کسب کند، دولت را تشکیل می‌داد. در نهایت شیعیان توانستند ائتلاف تحالف ملی را تشکیل دهند و دولت شیعه را سرکار بیاورند. در این انتخابات شیعیان با کرسی‌های بیشتر و فهرست دولت قانون با ۹۳ کرسی پارلمان که با احزاب فرعی شیعی ۱۰۳ کرسی را به دست خواهد آورد. اگر با جریان مقتدا صدر و عمار حکیم ائتلاف کند، شیعیان به تنهایی تعداد ۱۶۵ کرسی (نصف +۱) را دارند و می‌توانند دولت را تشکیل بدهند. وضعیت نگران کننده شد، زیرا مالکی برای بار سوم می‌توانست نخست وزیر شود. مالکی کارنامه موفقی در مقابله با زیادی خواهی آمریکایی (قانون کاپیتولاسیون) عدم مجازات نظامیان خاطی آمریکایی در عراق و کسی که بیشترین همکاری را با دولت سوریه دارد و با ج.ا.ایران روابط خوبی برقرار کرده است ارتباط نزدیک و خوبی با مقاومت لبنان داشته است. لذا مالکی می‌توانست متحد جدیدی برای مقاومت از ایران تا لبنان باشد. غرب، عربستان و قطر تمام تلاش‌هایشان این بود که مالکی نخست وزیر نشود.

از غرب عراق (مرزهای سوریه) تا استان دیاله (مرزهای جمهوری) یک خط فرضی را ایجاد کردند و داعش این مناطق را هدف قرار داد و اقلیم کردستان هم که جدا بود. آنها از هم پیمان کردی یا حداقل عدم ورود به منازعه بین آنها استفاده کردند و عملاً کردستان جدا شد. جریانی که داعش و اعضای حزب بعث عراق با حمایت سنی‌های ناراضی و غرب به عراق حمله کردند.

اینها فعلاً به دنبال تجزیه عراق نیستند، آمریکا، ترکیه و کشورهای منطقه، تجزیه عراق را به نفع خودشان نمی‌بینند.

آمریکا به ترکیه و کشورهای عربی منطقه به جای محکوم کردن تروریسم، دولت عراق را مورد سرزنش و ملامت قرار دادند. دولت عراق را ناکارآمد خوانده‌اند. عربستان گفته است که باید دولت را به طور مساوات بین عراقیها تقسیم کنند.

جریانی به نام داعش در کنار بعثی‌ها که تشکیلات قوی هم دارند با حمایت کاملاً منطقه‌ای و

شخصیت‌های سنی عراق و حتی مجلسی‌های عراق و حمایت بین‌المللی دست به دست هم داد تا مناطقی در عراق به دست داعش بیافتند. اما اتفاق خوبی از جمله ورود مرجعیت به صحنه و ورود مردم برای حمایت از دولت رخ داد. صحنه شیعه مجدداً متحد شد. مدیریت از دست نیروهای عمل‌کننده خارج شده است. عنصر سرزمینی که در سوریه نتوانستند به دست آورند باید از دست آنها در عراق خارج شود. عراق در نقطه کانون مقاومت واقع شده است که ارتباط ایران با مقاومت در لبنان را برقرار می‌کند. در نوک پیکان عربستان قرار دارد. ترکیه نقش حمایتی دارد و آمریکا که از منطقه خارج شده‌اند از وضعیت موجود حمایت می‌کنند و تمایل دارند که نیروهای هم‌پیمان بتوانند موازنه منطقه‌ای را به نفع آنها برقرار کنند. نزاع موازنه سیاسی و راهبردی است که در منطقه دارد رقم می‌خورد و از جریان داعش به صورت ابزاری برای اهداف خود استفاده می‌کنند.